

مقایسه تاثیر روش‌های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر کیفیت زبان-

آموزی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه^۱

لطف‌الله ساعدموچشی^۲، عزیز کرمی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تاثیر سبک ارتباطی و سنتی آموزش زبان انگلیسی بر مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان انجام شده است. این مطالعه به روش نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شده است. جامعه مورد مطالعه متشکل از همه‌ی دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های شهر سنندج در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ که تعداد آن برابر ۳۲۰۰ نفر بود. ابتدا به روش نمونه‌گیری تصادفی دو کلاس پایه اول به تعداد ۵۰ نفر انتخاب شدند و پس از برگزاری پیش-آزمون و اطمینان از عدم معنی‌داری تفاوت‌ها، گروه آزمایش و کنترل تشکیل گردید. ابزار اندازه‌گیری سوالات محقق ساخته است که روایی محتوایی آن با نظر متخصصان و پایایی آن بر اساس آلفای کرانباخ ۸۶٪ تعیین گردید. بعد از اجرای آزمایش پس‌آزمون مشترک به عمل آمد و داده‌های جمع‌آوری شده با کمک شاخص‌های آمار توصیفی و نیز آزمون t تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که میانگین مهارت‌های زبان‌آموزی گروه آزمایش (۱۸/۴۲) بیشتر از میانگین مهارت‌های زبان‌آموزی گروه کنترل (۱۵/۷۱) است و میانگین مهارت گفتاری و نوشتاری گروه آزمایش در پس‌آزمون ۴/۱۷ و ۵ در حالی که گروه کنترل دارای میانگین ۳/۲۰ و ۴/۶۲ در این مهارت‌ها است. مهارت شنیداری و خواندن گروه آزمایش به ترتیب ۴/۴۱ و ۴/۸۷ و گروه کنترل میانگین ۳/۴۲ و ۴/۴۷ را داشته است. به عبارتی دیگر با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که آموزش درس زبان با سبک تدریس ارتباطی بر مهارت‌های زبان‌آموزی دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان تاثیر مثبتی داشته است.

واژگان کلیدی: سبک تدریس سنتی، سبک تدریس ارتباطی، مهارت‌های زبان‌آموزی.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۰/۲۹

^۲ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان و شاغل در آموزش و پرورش
slotfola@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه بوعلی سینا و شاغل در آموزش و پرورش

مقدمه

همه زبان‌ها و گویش‌های امروزی از یک زبان واحد به نام زبان مادری سرچشمه گرفته است و با بررسی زبان رسمی در هر کشوری در می‌یابیم که در آن لهجه‌ها و گویش‌های متنوعی وجود دارد و در کنار همه آنها با توجه به نیاز و ارتباط با اقوام و ملل گوناگون یک زبان خارجی وجود دارد (چامسکی^۱، ۱۹۸۶). عده‌ای از زبان‌شناسان فرایند زبان‌آموزی را اکتسابی و عده‌ای دیگر این فرایند را کاملاً فطری و ذاتی می‌دانند. از جمله نوام چامسکی که فراگیری زبان را امری ذاتی می‌داند و مراحل زبان‌آموزی را برای همه کودکان بطور طبیعی یکسان در نظر می‌گیرد.

زبان انگلیسی امروزه به عنوان زبان رسمی جهانی متداول شده است. چنانچه جامعه ما بخواهد در جریان دستاوردهای علمی، سیاسی، اجتماعی، فنی، تکنولوژیکی و غیره جهانی قرار بگیرد به ناچار باید زبان انگلیسی را یاد بگیرد. از طرف دیگر آموزش زبان انگلیسی آشنایی با فرهنگ و تمدن سایر ملل و نشر فرهنگ‌ها به سایر کشورها را امکان پذیر می‌سازد.

در کنار زبان بحث آموزش زبان هم اهمیتی اساسی دارد؛ زیرا زبان باید بخوبی آموزش داده شود تا سیر تکاملی و توسعه خود را بیش از پیش طی کند. آنچه بیش از همه مورد توافق جمعی است این است که زبان در قالب مهارت‌های اصولی آن بهتر قابل آموزش و یادگیری است. زبان دارای چهار مهارت اصلی و اساسی خواندن، نوشتن، گوش دادن و صحبت کردن است. هر کدام از این مهارت‌ها باید در هنگام آموزش زبان مورد تاکید قرار گیرد و در صورت بی توجهی به هر یک از آنها آموزش، یادگیری و بکارگیری زبان با مشکل مواجه می‌شود. در گذشته شیوه‌ها و سبک‌های زیادی از قبیل سبک ترجمه‌ای، مستقیم، گفتاری شنیداری را برای آموزش زبان استفاده نموده‌اند که هر کدام دارای نواقصی بوده‌اند. اما سبک ارتباطی از جمله سبک‌های نوین آموزش زبان است؛ که هر چند محدودیت‌هایی از قبیل وقت گیر بودن را به دنبال دارد اما می‌تواند تا حدی کمی و کاستی‌های دیگر سبک‌ها را جبران نماید.

^۱ . Chomsky

صاحب‌نظران یکی از مهمترین دلایل ناکامی در یادگیری و تسلط بر زبان انگلیسی را سبک تدریس آن می‌دانند (ملکی، ۱۳۸۸).

استفاده از سبک‌های سنتی آموزش زبان برای اولین بار در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۴۵ مطرح شد. در طول این مدت ایالات متحده آمریکا در ابتدا بیشتر با زبان‌های لاتین و یونانی دانش‌آموزان را آموزش می‌دادند و در همین کلاس‌ها فراگیران بایستی تا حد امکان گرامر و ساختار سنتی زبان مورد نظر را فرا می‌گرفتند (بلایر^۱، ۱۹۸۲). سبک ارتباطی از سبک‌های جدید و مورد قبول در آموزش زبان انگلیسی است. این سبک اولین بار در سال ۱۹۸۲ توسط هایمز^۲ جامعه‌شناس مشهور در پاسخ به نظریات نوام چامسکی مطرح شد. در ابتدا مخالفان زیادی به همراه شد اما به تدریج گرایش عمومی نسبت به این سبک پیدا شد. در آمریکا دو تن از زبان‌شناسان معروف در سال ۱۹۸۹ به نام‌های جانسون و مارو^۳ این نظریه را به عنوان یکی از سبک‌های مشهور در زمینه یادگیری زبان انگلیسی در انتقاد به روش‌های تدریس ترجمه‌ای و گرامری مطرح کردند و امروزه طرفداران زیادی پیدا کرده است (چستن^۴، ۱۹۹۸).

چستن (۱۹۹۸) مهم‌ترین ویژگی‌های سبک ارتباطی را در قالب شرکت دانش‌آموزان در ارتباطات کلاسی و خارج از کلاس، تبادل اطلاعات به صورت ارتباطات گفتاری و شنیداری، تاکید ویژه بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری، آزادی در بیان گفته‌ها و ارتباطات کلاسی، تشکیل گروه‌های کلاسی، تمرین مهارت شنیداری و گفتاری به صورت ارتباطی، ارتباط معلم با دانش‌آموزان و ترغیب آنها به شرکت در ارتباط کلاسی و رسیدن به اهداف درسی از طریق گفتار و ارتباط در کلاس و در محیط واقعی را توصیف می‌نماید.

سبک تدریس: عبارت است از شیوه‌ای هدفمند که معلم آن را بر شیوه‌ها و روش‌های دیگر خود ترجیح می‌دهد. به عبارت دیگر شیوه‌ای که معلم را در رسیدن به اهداف درسی یاری

1. Blayer

2. Hymes

3. Jonson and marou

4. Chastain

می‌دهد، سبک نام دارد (مبینی، ۱۳۸۷: ۱۷). سبک تدریس ارتباطی^۱: شیوه‌ای نوین از سبک‌های آموزش است که در آن ارتباط ما بین فراگیران، فعالیت‌های گروهی و هدایت‌گری معلم هسته اصلی کلاس را تشکیل می‌دهد و فعالیت‌ها یادگیرنده محور است (چستن، ۱۹۹۸: ۱۱۲). سبک تدریس سنتی: سبک‌های سنتی که تعداد آنها بسیار است سبک‌هایی هستند که به طور سنتی در هنگام آموزش زبان، معلمان آن را به کار می‌گیرند و این سبک‌ها مبتنی بر کار انفرادی، ترجمه و مهارت خواندن است (داویس^۲، ۱۹۸۵: ۴۹).

مهارت‌های زبان‌آموزی

در هر زبانی مهارت‌های اصولی و اساسی آن باید تقویت شود و اگر به هر دلیلی به همه آن مهارت‌ها و یا یکی از آنها توجه نشود تکامل زبان با مشکل مواجه می‌شود و حتی بر ارتباط موثر هم تاثیر می‌گذارد (اسکیهان^۳، ۱۹۹۱). مهارت‌های زبان‌آموزی عبارتند از مهارت خواندن، نوشتن، شنیدن و صحبت کردن که مهارت‌های پایه‌ای محسوب می‌شوند و توجه به همه مهارت‌ها اساس ارتباط زبانی را تشکیل می‌دهد (آشر^۴، ۱۹۹۸: ۸۹). مهارت گفتاری^۵: مهارتی است که در یادگیری زبان جزء مهارت‌های اصلی است و از طریق این مهارت ارتباط رو در رو و یا هر نوع ارتباط دیگر مابین افراد شکل می‌گیرد (ترل^۶، ۱۹۸۸: ۴۳). مهارت شنیداری^۷: از مهارت‌های پایه‌ای و البته پیش‌نیاز زبان است که تا فرد در آن مهارت کسب نکنند ارتباط به وقوع نمی‌پیوندد و درک مفاهیمی صورت نمی‌گیرد (آلن^۸، ۱۹۸۵: ۶۷). مهارت خواندن^۹: از

1. Communicative style

2. Davis

3. Skihan

4. Asher.J.C

5. speaking skill

6. Trel

7. Listening skill

8. Allen

9. Reading skill

مهارت های مهم که در این مهارت بیشتر درک متون نوشتاری و یا تبدیل نوشته ها به زبان مدنظر است(آلن، ۱۹۸۵:۱۲۳). معلمان زبان اغلب خواندن را برای دو فرایند جداگانه در نظر می گیرند، در یک طرف خواندن دانش آموزان متون را با صدای بلند می خوانند و از طرف دیگر خواندن کاری است که به منظور درک معنی و پیام مورد نظر تدارک دیده می شود(آدامز^۱، ۱۹۸۸). در سبک ارتباطی حتی در مهارت خواندن درک معنا و مفهوم در قالب ارتباط شکل می گیرد(بترام^۲، ۱۹۸۹). مهارت صحبت کردن: در مهارت گفتاری و یا صحبت کردن مهم ارتباط در محیط واقعی است که این ارتباط واقعی از کلاس درس شروع می شود. بعنوان مهمترین مهارت تلقی می شود که ارتباط کلاسی و ارتباط واقعی فقط از طریق این مهارت امکان پذیر است(موریشیا^۳، ۱۹۸۵).

مهارت نوشتن^۴: یعنی تبدیل زبان و افکار به متن است که در قالب کلمات گوناگون دیده می شود و از خلاقیت های فردی هم به حساب می آید(بترام، ۱۹۸۹: ۱۱۶). در مراحل ابتدائی یادگیری زبان مهارت نوشتن به عنوان یک فرایند ضروری تلقی می شود اما در مراحل بالاتر این مهارت بعنوان پایه ی ارتباط تلقی می گردد.

سبک های آموزش زبان

اولین بار سبک های تدریس و آموزش زبان در سال های ۱۹۴۰ الی ۱۹۵۰ در جامعه آمریکا شروع شد(بن دیکت^۵، ۱۹۸۸). آموزش زبان های خارجی در مدارس ایالات متحده آمریکا تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم شروع شد. احساس می شد که برنامه ریزی درسی بالاخص در رابطه با سبک های آموزش باید تغییر کند و به موضوعات مهم روز گسترش پیدا کند (مورنان^۶، ۱۹۸۹).

1. Adams

2. Betram

3. Murrca

4. Writing skill

5. Bendict

6. Mournan

در سبک‌های کلاسیک و قدیمی نه به نیازهای جامعه توجه می‌شد و نه نیازها و خواسته‌های فراگیران به عنوان هسته‌ی مرکزی تدریس و آموزش توجه می‌شد. پاسخ‌گویی به این نیازها و برآورده شدن آنها فقط در سایه سبک ارتباطی زبان و در کنار تجارب مربیان و معلمان خوب انجام می‌شود (براد^۱، ۱۹۸۷).

سبک‌های سنتی آموزش زبان

توافق جمعی بر این است که رازیاس^۲ (۱۹۴۸) با همکاری تعدادی از همکاران خود سبک‌های سنتی آموزش زبان را معرفی نموده است (بلایر، ۱۹۸۲). از اهداف این سبک‌ها یادگیری مکانیکی و از مهمترین اهداف آموزش زبان، ادبیات و ساختار بنیادین زبان بود. از اصول سبک‌های سنتی تسلط بر ادبیات، لغات و گرامر زبان است. (مورشیا، ۱۹۸۵). انواع سبک‌های سنتی آموزش زبان عبارتند از: ۱- سبک ترجمه‌ای^۳ که برای اولین بار توسط پلاتر^۴ (۱۹۴۹) معرفی شد. هدف اصلی این سبک آموزش زبان تدریس مستقیم زبان بود. ۲- سبک گفتاری شنیداری^۵ که معلمان زبان در کلاس‌های خود به سبک مذکور آموزش می‌دادند. در کلاس‌های درس و در حین استفاده از این سبک مهارت شنیداری و گفتاری بیش از سایر مهارت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. ۳- سبک آموزش مستقیم^۶ که فراگیران باید همان‌طور که زبان مادری خود را فرا می‌گیرند در یک ساختار تقریباً مشابه باید بتوانند بطور مستقیم زبان دوم را هم یاد بگیرند (ریچاردز، ۲۰۰۷). ۴- سبک شناختی^۷: در این سبک بیشتر فرایندهای ذهنی و درونی به عنوان اصول یادگیری زبان مورد تاکید قرار گرفت. یادگیرنده مهم‌تر از هر چیز دیگری

1. Brod

2. Rassias

3. Grammer translation

4. Platter

5. Audio lingual

6. Direct style

7. Richards

8. Cognitive

مرکز یادگیری تلقی می‌شد (بندیکت، ۱۹۸۸). ۵- سبک نظارتی^۱: این مدل بیش از این که یک نوع سبک باشد بیشتر به عنوان یک نظریه در باب آموزش زبان هم مطرح است. ۶- سبک گسترده زبانی^۲: در این سبک از آموزش زبان تمرین کتبی و شفاهی اصل آموزش یادگیری را در کلاس درس تشکیل می‌دهد. ۷- سبک پاسخی حرکتی^۳: که آشر (۱۹۷۰) معرفی کرد. هدف او آموزش بهتر زبان در یک ساختار گفتاری البته بصورت خصوصی از طرف دانش‌آموز بود. ۸- سبک طبیعی^۴: در کلاس‌ها لازم است که مسائل عاطفی و شناختی همزمان مدنظر معلم باشد و از هرگونه بی‌انگیزگی و بی‌علاقگی که فراگیران با خود به همراه می‌آورند باید اجتناب شود (مورشیا، ۱۹۸۵). ۹- سبک سکوت^۵: در سال ۱۹۷۳ توسط ریچارد آموتو^۶ ارایه شد. گوش کردن معلم و یا صحبت نکردن او قبل از ارتباط گفتاری بچه‌ها از موارد و اصول مهم در این نظریه است (پیرسون^۷، ۱۹۹۰). ۱۰- سبک تلقینی^۸: در اصل این سبک روشی تخلیه درونی بشمار می‌رفت، اصول و کاربرد آن عبارت بود از یوگا، موسیقی که این هم خود جنبه‌های روانی داشت. باید ذهن فراگیران ابتدا از این عوامل اجتماعی تخلیه شود تا آنها بتوانند زبان را یاد بگیرند (استوک^۹، ۱۹۸۶).

سبک ارتباطی

سبک ارتباطی آموزش زبان برای اولین بار توسط مارو و جانسون (۱۹۸۹) معرفی شده است و سبک ارتباطی را بعنوان توانایی و ظرفیت ارتباطی فراگیران در یک محیط ارتباطی دانستند. پورتر (۱۹۹۰) هم از این نظریه دفاع کرد و آن را، یک سبک بسیار مهم و موثر که تجارب و

1. Monitor style
2. Darmouth intensive
3. Total physical response
4. Natural style
5. Silent way
6. Richard Amoto
7. Peirson
8. Suggestopedia
9. Stock

فعالیت‌های کلاسی را به سمت ارتباطی سوق می‌دهد بیان نمود (ناتیو^۱، ۲۰۰۰). جانسون هدف مهم این سبک را چگونگی درک فرایند ارتباطی زبان در محیط واقعی توصیف نمودند و عنوان کردند که این سبک، محیطی ارتباطی را هم در کلاس و هم در محیط خارج واقع در بیرون از کلاس که از آن بعنوان محیط واقعی زبان نام برده می‌شود فراهم می‌آورد. در این سبک بر خلاف سایر روش‌ها دانش‌آموزان به طور فعال در فعالیت‌های کلاسی مشارکت و باهم ارتباط دارند و مسوولیت یادگیری را بر عهده می‌گیرند. آنها با مذاکره و مباحثه ارتباط متعدد و دوستانه با همدیگر دارند و معلم در این فرایند فقط به راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان می‌پردازد. بنابراین ارتباط و تعامل دانش‌آموزان در کلاس و حتی در خارج از کلاس میزان یادگیری و کاربرد زبان را بالا می‌برد و نسبت به سایر سبک‌های دیگر دانش‌آموزان بیشتر درگیر فرایندهای یادگیری زبان می‌شوند.

این سبک با توجه به مسایل عاطفی، شناختی و فراشناختی اهداف اصلی زبان انگلیسی را در قالب ارتباطی مهیا و فراهم می‌سازد (آلن، ۱۹۸۵). یکی از مهمترین اهداف سبک ارتباطی آموزش زبان انگلیسی کفایت و شایستگی ارتباطی است. ارتباط کلاسی باید منجر به ارتباط در محیط واقعی یعنی دنیای خارج از کلاس درس شود. در سبک ارتباطی همه مهارت‌های چهارگانه زبان آموزی تقویت می‌شوند. در سبک ارتباطی با توجه به ماهیت ارتباطی بودن آن و نیز با توجه به این که گفتار در آن از بیشترین اهمیت برخوردار است همه مهارت‌ها مهم تلقی می‌شوند. فراگیران در حین ارتباط به همدیگر گوش می‌دهند، مطالب را درک می‌کنند و در این صورت ارتباط برقرار می‌گردد. سبک ارتباطی این فرصت را در اختیار فراگیران می‌گذارد که به این مهارت‌ها توجه داشته باشند و از طریق تقویت مهارت‌های زبان آموزی، زبان ارتباطی را هم یاد بگیرند. پژوهش‌های مختلفی اثرات سبک ارتباطی بر یادگیری دانش‌آموزان را در ابعاد گوناگون تایید نموده‌اند. یادگیری دانش‌آموزان با سبک ارتباطی بیشتر از دانش‌آموزانی بود که با روش یادگیری سنتی و متداول مشغول یادگیری بودند. همیاری‌ها و کارهای گروهی پیشرفت فراگیران را در یادگیری دروس به طور معناداری بالا می‌برد، باعث

¹ . Notive

افزایش یادگیری در خزانه لغات، درک مطلب، املاي زبان انگلیسی و نیز تلفظ کلمات می شود، یادگیری معنی دار و ارتباط واقعی در بین فراگیران را افزایش می دهد، مهارت ارتباطی و گفتاری فراگیران را افزایش می دهد، کیفیت آموزش را ارتقاء می دهد، میزان یادداری و نگهداری مطالب آموخته شده در صورت استفاده از روش های ارتباطی بین فراگیران بسیار بیشتر از استفاده از روش های سنتی و انفرادی قدیمی است، آموزش زبان انگلیسی به سبک ارتباطی در مقایسه با روش های سنتی و انفرادی موثرتر است، پیشرفت زبانی در گروه های ارتباطی به طور معناداری بیشتر بود، آموزش با سبک ارتباطی موجب نگرش مثبت نسبت به یادگیری شده است و میزان پیشرفت تحصیلی فراگیران را به نسبت زیادی افزایش داده است. (ایوبی، ۱۳۷۷؛ کنعانی، ۱۳۸۰؛ قربانی، ۱۳۸۱؛ رزمجو، ۱۳۸۵؛ پاک منش، ۱۳۸۶؛ مبینی، ۱۳۸۷؛ کوهن، ۱۹۹۰؛ پیندور^۲، ۱۹۹۰؛ اسلاوین^۳، ۱۹۹۱؛ ناتیو، ۲۰۰۰؛ جرسیو^۴، ۲۰۰۹).

زمینه های فرهنگی و استفاده از سبک های ارتباطی و ایجاد مشارکت های کلاسی رابطه دارند، روش های جدید و نیز سبک ها و متدهای امروزی باید راه را برای تقویت مهارت های زبان آموزی مهیا سازد، حدود ۵۰ درصد از دبیران و مربیان زبان انگلیسی در استفاده از این سبک، مکالمه را به عنوان مهمترین متد تلقی می کنند و حفظ کردن این مکالمه را برای یادگیری ساختار دستوری و گرامر اصولی می دانند، اگر در کلاس های آموزش زبان به ارتباط اهمیت داده شود، باعث تقویت مهارت ها می شود و نیاز درونی فراگیر که نیاز ارتباطی است برآورده می شود، سبک ارتباطی توانایی ویژه ای را در فراگیران ایجاد می کند که باعث می شود ارتباطات بعدی راحت تر و آسان تر صورت گیرد، زبان ارتباط است این ارتباط در کلاس های آموزش زبان باید مثل محیط بیرونی خارج از کلاس راه را برای ارتباط هموار سازد (آدلینا^۵،

1. Cohen

2. Pindor

3. Slovin

4. Jorsive

5. Adlina

۲۰۰۲؛ دوستی، ۱۳۸۷؛ عطری و موسوی، ۱۳۸۹؛ ریک^۱، ۱۹۹۹؛ ساندر^۲، ۲۰۰۲؛ ساوینگنون^۳، ۲۰۰۷). هنگام استفاده از سبک‌های نوین تدریس بویژه سبک ارتباطی لازم است که آن را با سبک گرامری سنتی مقایسه کنیم تا با استفاده از این مقایسه به اهمیت ارتباط و توانایی ارتباطی سبک مذکور پی ببریم (ریچاردز، ۲۰۰۲).

بر اساس آن چه گفته شد مساله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش بر اساس سبک ارتباطی در مقایسه با سبک سنتی تاثیری بر مهارت‌های زبان‌آموزی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه دارد و این تاثیر در مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی به چه طریقی است؟

روش تحقیق

این پژوهش، به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس شیوه اجرا از نوع نیمه تجربی است. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های شهر سنندج در سال ۹۴-۹۳ که تعداد کل آنها «۳۲۰۰» نفر تشکیل می‌دهد. از میان این دانش‌آموزان تعداد ۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و در دو گروه مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش از کلاس به عنوان واحد نمونه‌گیری استفاده شد و گروه‌های آزمایش و کنترل به طور تصادفی انتخاب شدند. گروه آزمایش در معرض متغیر آزمایشی یعنی سبک تدریس ارتباطی قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش سؤالات چهارمهارتی محقق‌ساخته بود. روایی ابزار، پس از تهیه آن توسط محقق در اختیار ۵ نفر از نظر متخصصان (معلمان زبان انگلیسی) با سابقه و مجرب با مدارک تحصیلی مرتبط در زمینه آموزش زبان که در سال اول دبیرستان تدریس داشتند مورد بررسی قرار گرفت و از نظر روایی محتوایی، روایی آزمون پس از اصلاحات لازم مورد تایید قرار گرفت. پایایی آن نیز بر اساس روش آلفای کرانباخ از طریق نرم افزار SPSS محاسبه گردیده است و ضریب ۰/۸۶ استخراج گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، فراوانی، انحراف معیار، درصد فراوانی، تلخیص و

1 . Rick

2 . Sandra

3 . Savignon

طبقه‌بندی و روش‌های آمار استنباطی مانند آزمون t در گروه‌های مستقل در پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد.

روش اجرا پژوهش بشرح ذیل بود: بعد از اجرای پیش‌آزمون از هر دو گروه کنترل و آزمایش، در یک دوره آموزشی ۶ جلسه‌ای، سبک تدریس جدید (سبک ارتباطی) به معلم گروه آزمایش آموزش داده شد. در این جلسات معلم مربوطه با سبک تدریس ارتباطی و متدهای آن آشنا شد. سپس مطالبی از کتاب سال اول دبیرستان بر اساس مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان آموزی و با توجه به سبک ارتباطی آموزش داده شد. مهارت نوشتاری در قالب دیکته‌ی جاخالی و نوشتن جملات کوتاه، مهارت خواندن بر اساس خواندن متون، مهارت گفتاری بر اساس ارتباط رو در رو و نیز مهارت شنیداری با توجه به ارتباط و پاسخ به سوالات متعدد در نظر گرفته شد و طرح درس مربوطه تدوین و در اختیار معلم گروه آزمایش قرار گرفت. معلم این گروه نیز مطالب درسی را مطابق با سبک تدریس ارتباطی و جلسات آموزشی دقیقاً بر اساس مهارت‌های مختلف آموزش دادند. معلم این گروه فراگیران را وادار به خواندن و درک متون مختلف، نوشتن جمله‌های کوتاه، گوش دادن به متون کتاب و نیز گوش دادن به سوالات معلم و دانش‌آموزان می‌نمود و همچنین مهارت مهم گفتاری در قالب ارتباط گفتاری معلم با دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموزان با همدیگر ارزیابی شد. گروه کنترل در این مدت با استفاده از سبک تدریس سنتی آموزش می‌دیدند و سبک تدریس ارتباطی در این کلاس اجرا نمی‌شد. در پایان کار از هر دو گروه آزمایش و کنترل پس‌آزمون سوالات محقق ساخته به عمل آمد. نمرات حاصل از پس‌آزمون در این کلاس با کلاس گروه کنترل مقایسه شد.

یافته‌های پژوهش

ابتدا به منظور اطمینان از یکسانی توانایی دانش‌آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل، نتایج پیش‌آزمون با استفاده از شاخص‌های توصیفی و آزمون t در گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اطلاعات ارائه شده در جدول (۱-۴) نشان داد که میانگین گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون به ترتیب ۱۵/۱۷ و ۱۵/۰۴ با انحراف استاندارد ۲/۳۷ و ۲/۴۴ می‌باشد. نتایج آزمون t در گروه‌های مستقل نیز نشان داد که بین میانگین دو گروه در پیش‌آزمون

مهارت‌های زبان آموزی تفاوت معنی‌دار در سطح $[(\alpha=0/05), (df=48), (t=0/191)]$ وجود ندارد و با اطمینان ۹۵ درصد واریانس دو گروه یکسان می‌باشد.

جدول ۴-۱ داده‌های توصیفی میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۱۵/۱۷	۲/۳۷	۰/۴۷
کنترل	۲۵	۱۵/۰۴	۲/۴۴	۰/۴۹

جدول ۴-۲ مقایسه میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون بر اساس آزمون t در گروه‌های مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پیش‌آزمون	۰/۱۹۱	۴۸	۰/۸۴۹	۰/۱۳	۰/۶۸۱

فرضیه اصلی: بین مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، تفاوت وجود دارد.

برای تعیین اثر روش‌های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر کیفیت مهارت‌های زبان‌آموزی دانش‌آموزان گروه کنترل و آزمایش از آزمون t در گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین میانگین مهارت‌های زبان آموزی دو گروه کنترل و آزمایش در سطح $[(\alpha=0/01), (df=48), (t=5/28)]$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که بین پیشرفت مهارت‌های زبان آموزی دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و میزان زبان آموزی دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند بیشتر از دانش‌آموزانی است که با روش سنتی آموزش دیده‌اند. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود. اطلاعات تفصیلی در جداول (۳-۴ و ۴-۴) ارائه شده است.

جدول ۳-۴ داده های توصیفی میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۱۸/۴۲	۱/۲۸	۰/۲۶
کنترل	۲۵	۱۵/۷۱	۲/۲۲	۰/۴۴

جدول ۴-۴ مقایسه میانگین دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون بر اساس آزمون t در

گروه های مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پس آزمون	۵/۲۸	۴۸	۰/۰۰۰	۲/۷۱	۰/۵۱

فرضیه ویژه شماره ۱: مهارت گفتاری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده اند، تفاوت دارد.

برای تعیین اثر روش های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر مهارت گفتاری دانش آموزان گروه کنترل و آزمایش از آزمون t در گروه های مستقل استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین میانگین مهارت گفتاری دو گروه کنترل و آزمایش در سطح $[df=24]$ ، $(\alpha=0/01)$ ، $(t=4/17)$ تفاوت معنی داری وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که بین مهارت گفتاری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده اند، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و میزان پیشرفت مهارت گفتاری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند بیشتر از دانش آموزانی است که با روش سنتی آموزش دیده اند. بنابراین فرضیه شماره ۱ پژوهش تأیید می شود. اطلاعات تفصیلی در جداول (۴-۵ و ۴-۶) ارائه شده است.

جدول ۴-۵ داده‌های توصیفی میانگین مهارت گفتاری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۴/۱۷	۰/۷۹۶	۰/۱۶
کنترل	۲۵	۳/۲۰	۰/۸۴۶	۰/۱۸

جدول ۴-۶ مقایسه میانگین مهارت گفتاری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون بر اساس آزمون t در گروه‌های مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پس آزمون	۴,۱۷۰	۲۴	۰/۰۰۰	۰/۹۷	۰/۵۱

فرضیه ویژه شماره ۲: مهارت نوشتاری دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، تفاوت دارد.

برای تعیین اثر روش‌های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر مهارت نوشتاری دانش‌آموزان گروه کنترل و آزمایش از آزمون t در گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین میانگین مهارت نوشتاری دو گروه کنترل و آزمایش در سطح [$(df=24)$], $(\alpha=0/01)$ ، $(t=3,167)$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که بین مهارت نوشتاری دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و میزان پیشرفت مهارت نوشتاری دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند بیشتر از دانش‌آموزانی است که با روش سنتی آموزش دیده‌اند. بنابراین فرضیه شماره ۲ پژوهش تأیید می‌شود. اطلاعات تفصیلی در جداول (۴-۷) و (۴-۸) ارائه شده است.

جدول ۷-۴ داده های توصیفی میانگین مهارت نوشتاری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
کنترل	۲۵	۴/۶۲	۱,۰۵۸	۰,۱۲

جدول ۸-۴ مقایسه میانگین مهارت نوشتاری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون بر اساس آزمون t در گروه های مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پس آزمون	۳,۱۶۷	۲۴	۰/۰۰۰	۰,۳۸	۰,۱۲

فرضیه ویژه شماره ۳: مهارت شنیداری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده اند، تفاوت دارد.

برای تعیین اثر روش های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر مهارت شنیداری دانش آموزان گروه کنترل و آزمایش از آزمون t در گروه های مستقل استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین میانگین مهارت شنیداری دو گروه کنترل و آزمایش در سطح [$(df=24)$ ، $(\alpha=0/01)$] تفاوت معنی داری وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که بین پیشرفت مهارت شنیداری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده اند، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و میزان پیشرفت مهارت شنیداری دانش آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده اند بیشتر از دانش آموزانی است که با روش سنتی آموزش دیده اند. بنابراین فرضیه شماره ۳ پژوهش تأیید می شود. اطلاعات تفصیلی در جداول (۹-۴ و ۱۰-۴) ارائه شده است.

جدول ۹-۴ داده‌های توصیفی میانگین مهارت شنیداری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۴,۴۱۷	۰,۶۰۶	۰,۰۵۶
کنترل	۲۵	۳,۴۲	۱,۰۵۸	۰,۲۱۱

جدول ۱۰-۴ مقایسه میانگین مهارت شنیداری دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون بر اساس آزمون در گروه‌های t مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پس آزمون	۴,۰۲۴	۲۴	۰/۰۰۰	۰,۹۹۷	۰,۰۵۶

فرضیه ویژه شماره ۴: مهارت خواندن دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، تفاوت دارد.

برای تعیین اثر روش‌های ارتباطی و سنتی آموزش زبان بر مهارت خواندن دانش‌آموزان گروه کنترل و آزمایش از آزمون t در گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که بین میانگین مهارت خواندن دو گروه کنترل و آزمایش در سطح $[(df=۲۴), (\alpha=۰/۰۱), (t=۳/۱۴۹)]$ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که بین پیشرفت مهارت خواندن دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند، با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد و میزان پیشرفت مهارت خواندن دانش‌آموزانی که با روش ارتباطی آموزش دیده‌اند بیشتر از دانش‌آموزانی است که با روش سنتی آموزش دیده‌اند. بنابراین فرضیه شماره ۴ پژوهش تأیید می‌شود. اطلاعات تفصیلی در جداول (۱۱-۴ و ۱۲-۴) ارائه شده است.

جدول ۱۱-۴ داده های توصیفی میانگین مهارت خواندن دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف خطا
آزمایش	۲۵	۴,۸۷	۰,۲۸	۰,۰۵۷
کنترل	۲۵	۴,۴۷	۰,۵۷	۰,۱۱

جدول ۱۲-۴ مقایسه میانگین مهارت خواندن دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون بر اساس آزمون t در گروه های مستقل

متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین تفاوتها	انحراف خطا
پس آزمون	۳,۱۴۹	۲۴	۰/۰۰۰	۰,۴۰	۰,۰۵۷

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین مهارت های زبان آموزی دانش آموزانی که با سبک ارتباطی آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با سبک سنتی آموزش دیده اند تفاوت معناداری وجود دارد و دانش آموزان آموزش دیده با سبک نوین ارتباطی پیشرفت بیشتری را داشته اند. از مهمترین دلایل منطقی این تفاوت این است که سبک های نوین و از میان آنها سبک ارتباطی بیشتر شاگردمدار است و بر فرایند کلاسی بیشتر از نتایج کار توجه دارد. در سبک ارتباطی ارتباط بین فراگیران به حداکثر می رسد و اغلب فعالیت های کلاسی به صورت گروهی و ارتباطی انجام می گیرد. مهارت های زبان آموزی که اساس و بنیان زبان را تشکیل می دهد در این سبک بیشتر از همه سبک های سنتی تقویت می شود، و گفتار و ارتباط گفتاری از نتایج کار است.

نتایج پژوهش های مختلفی اثرات سبک ارتباطی بر یادگیری و پیشرفت دانش آموزان تاکید کرده اند. (ایوبی، ۱۳۷۷؛ کنعانی، ۱۳۸۰؛ قربانی، ۱۳۸۱؛ رزمجو، ۱۳۸۵؛ پاک منش، ۱۳۸۶؛ مبینی، ۱۳۸۷؛ اسلاوین، ۱۹۹۱؛ ناتیو، ۲۰۰۰؛ جرسیو، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش های ساوینگ

نون (۲۰۰۷)، پیندور (۱۹۹۰) و کوهن (۱۹۹۰) که در آنها اهمیت ارتباط و کار ارتباطی و گروهی فراگیران و تاثیرات آن بر پیشرفت مهارت‌های زبان به تایید رسیده است، با این پژوهش همخوانی دارد. بنابراین سبک‌های نوین آموزش زبان معمولاً راه را برای تقویت مهارت‌های زبان‌آموزی هموار می‌سازد و فراگیران را در ارتباط زبانی بهتر کمک می‌نمایند. بنابراین استفاده از سبک ارتباطی پیشرفت در مهارت‌های زبانی را به دنبال دارد و موجبات یادگیری بهتر را در فراگیران فراهم می‌نماید. در مورد پیشرفت در مهارت نوشتاری دانش‌آموزانی که با سبک ارتباطی آموزش دیده‌اند با دانش‌آموزانی که با سبک سنتی آموزش دیده‌اند نتایج تحقیق بیانگر پیشرفت مهارت نوشتاری گروه اول یعنی آموزش دیدگان با سبک تدریس ارتباطی است. در رابطه با مهارت شنیداری دانش‌آموزانی که با سبک تدریس ارتباطی آموزش دیده‌اند نسبت به فراگیرانی که با سبک تدریس سنتی آموزش دیده‌اند، تحقیق نشان دهنده پیشرفت گروه آموزش دیده با سبک ارتباطی است. نتایج تحقیق مهارت گفتاری دانش‌آموزانی که با استفاده از تدریس ارتباطی آموزش دیده‌اند در مقایسه با دانش‌آموزانی که با سبک تدریس سنتی آموزش دیده‌اند را دارای تفاوت معناداری می‌داند و پیشرفت این مهارت را در گروه اول چشمگیر می‌داند و در نهایت نتایج این پژوهش در مورد مقایسه مهارت خواندن در دو گروه آموزش دیده با سبک تدریس ارتباطی و سبک‌های سنتی میزان تقویت این مهارت را در دانش‌آموزان آموزش دیده با سبک تدریس ارتباطی بسیار بیشتر می‌داند. در نتیجه کارایی درس زبان در صورت استفاده از روش ارتباطی به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد (ریچارد ام فیلدر^۱، ۲۰۰۳). و سبک ارتباطی کارایی مهارت‌های گوناگون زبان را ارتقا می‌بخشد (ریچارد سی^۲، ۲۰۰۴).

منابع و ماخذ

- ایوبی، علی (۱۳۷۷). مقایسه یادگیری ارتباطی و سنتی متداول. پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.

¹ . Richard M.Filder

² . Richard.c

- پاک‌منش، رضا(۱۳۸۶). تاثیر یادگیری ارتباطی بر عملکرد تحصیلی و خودپنداره مثبت دانش‌آموزان. مجله رشد آموزش زبان، وزارت آموزش و پرورش، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۳۷-۳۳.
- دوستی، محمدرضا(۱۳۸۷). اهمیت انتقال فرهنگ در کسب مهارت‌های زبانی. مجله پژوهش زبان-های خارجی، شماره ۳۶، پاییز ۸۷، صص ۸۴-۶۷.
- رزمجو، آیت‌الله(۱۳۸۵). قابلیت اجرایی آموزش زبان به شیوه ارتباطی. رساله دکتری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- عطری، رضا و موسوی، زهرا(۱۳۸۹). بکارگیری متدها و تکنیک‌های مهم در سبک ارتباطی توسط دبیران زبان در ایران. مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۴۲، زمستان ۸۹، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- قربانی، فرهاد(۱۳۸۱). مقایسه سبک‌های ارتباطی و سنتی آموزش زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کنعانی، شهناز(۱۳۸۰). مقایسه تاثیر روش تدریس ارتباطی با آموزش سنتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مبینی، رضا(۱۳۸۷). مقایسه تاثیر یادگیری ارتباطی با یادگیری انفرادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ملکی، عطاالله(۱۳۸۸). مقایسه روش دستور و ترجمه با روش ارتباطی زبان انگلیسی. مجله علوم پزشکی، شماره ۲، دوره ۲، صص ۴۶-۳۹، دانشگاه زنجان.
- Adams.S(1988).Script and second language skills. Methods that work. Rouly. Newbury House.
- Adlina.S(2002).Diffrent cultures and teaching styles.A new style of communication.English for specific purposes.18.81-101.
- Allen.J.P.B(1985).Review of communicative competence.theory and practice.Canada.the Canadian modern language.
- Asher.J.C(1998).Learning another languages through actions.The complete teacher s guide book.2nd ed.Los gates clif.Sky oaks productions.
- Bendict.S(1988).Pattrens of culture.Boston.Houghton Mifflin.
- Betram.P(1989).Monitoring the monitor.A review of language acquisition and learning.Los gates.Sky oaks productions.
- Blair.R.W(1982).Innovative approaches to language teaching .Rowley.mass Newbury House.

- Brod .E.F(1987).Concrete poetry.A linguistic technic for language classes.Foreign language annuals.10:255-258.
- Chomsky.N(1986).The studies on symantics in generative grammar.The Hague. Mouton.
- Cohen.E(1990). Communicative groups and their positive attitudes.Approaches to language pedagogy.Foreign language annuals.Vol 10.220-232.
- Davis .A(1985).principles of language teaching.Combridge university press.
- Elgin.S(1990).What is linguistic.Eaglewood cliffs.prentice Hall.
- Murrca.celce(1985).Teaching English as a second and foreign language.Heinle publishing.
- Notive.L(2000).communicative styles and language development.RELC.31.1-22.
- Pindor.M(1990).Reviewing materials in styles of teaching.TESOL Quarterly.15.537-547.
- Rassias.J.A(1963).new dimensions in language training.the Darmouth college experiment.
- Richard.c(2004).Interpreting communicative style .approach design and procedures.Newyork.Mcgraw Hill.
- Richards.J (2002).approaches and methods in language teaching .a descriptive and analysis.Combridge university press
- Richad.M.Filder(2003).Using communicative style today.RELC.23.81-103.
- Sandra.L(2002).Communicative style and its processes.Yale pub.univ of Yale.
- Savingnon.Sandra(2007).Beyond the teaching styles.an experiment in foreign language teaching.Pensilvania.The univ of Pensilvania.
- Skihan.R(1991).Invent strategies and the ESL college composition students.TESOL.Quarterly.16.490-402.
- Slovin.Robert(1991).Cooperative learning students team.Hopkin university.
- Stock.M(1986).Teaching second and foreign language styles. TESOL Quarterly.12.537-547.
- Terell.E(1988).Designing group work.Colombia university.College press.